

پدر ما ابراهیم

درس
سوم

زندگی ابراهیم:
کاربرد امروزی



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2018 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: پدر ما ابراهیم (درس شماره ۳: زندگی ابراهیم: کاربرد امروزی)

مدرس: ریچارد پرت

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مؤده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) ابراهیم و عیسی

نسل ابراهیم

یگانگی

مسیح به عنوان نسل

مضامین اصلی

فیض الهی

وفاداری ابراهیم

برکت به ابراهیم

برکت از طریق ابراهیم

(۳) اسرائیل و کلیسا

نسل ابراهیم

تعدد شمار نسل ابراهیم

هویت قومی

شخصیت روحانی

موقعیت تاریخی

مضامین اصلی

فیض الهی

وفاداری ابراهیم

برکت به ابراهیم

برکت از طریق ابراهیم

(۴) نتیجه‌گیری

کاربرد امروزی

مقدمه

اگر یک چیز درباره کتاب مقدس وجود داشته باشد که بسیاری از مردم این عصر با آن مشکل داشته باشند این است که: «تصور این موضوع بسیار سخت است که داستان‌هایی که هزاران سال پیش نوشته شده‌اند بتوانند راهنمای زندگی امروز ما باشند.» خود ابراهیم چهار هزار سال پیش زندگی می‌کرد و داستان‌های زندگی او تقریباً ۳۶۰۰ سال پیش نوشته شدند. اما ما پیروان مسیح این حقیقت را می‌پذیریم که این داستان‌ها بخشی از کتاب مقدس هستند و از این جهت حتی برای مردم این عصر هم مفیدند.

اما با این وجود، هنوز این سوال به قوت خود باقی است که چگونه این داستان‌های مربوط به ابراهیم در زندگی امروزی ما کاربرد پیدا می‌کنند؟ چگونه می‌توان بر این شکاف ۴۰۰۰ ساله‌ای که ما را از ابراهیم جدا می‌کند پل زد؟

ما این دوره از دروس را «پدر ما ابراهیم» نام‌گذاری کردیم، چون زندگی ابراهیم را آن‌گونه که در کتاب پیدایش آمده بررسی می‌کنیم. این مبحث سومین درس از دروس مقدماتی این دوره است و ما آن را «زندگی ابراهیم: کاربرد امروزی» نامیدیم. در این درس، با تمرکز بر راهکار مناسبی که با آن بتوان کاربردهایی امروزی از باب‌های مربوط به ابراهیم را در پیدایش استنتاج کرد، بررسی زندگی ابراهیم را به پایان می‌بریم. این سوال مطرح می‌شود که ما چگونه باید داستان‌های مربوط به ابراهیم را در زندگی خودمان به کار بندیم؟ این داستان‌ها امروز باید چه تاثیری بر ما داشته باشند؟

برای آنکه بدانیم چگونه زندگی ابراهیم با دنیای ما مربوط می‌شود، دو جنبه اساسی را بررسی خواهیم کرد: اول، پیوند و ارتباط بین ابراهیم و عیسی را مرور می‌کنیم و دوم، ارتباط موجود بین مخاطبان اولیه اسرائیلی و مخاطبان کلیسایی این عصر را بررسی خواهیم کرد.

قبل از آنکه به کاربرد امروزی زندگی ابراهیم بپردازیم باید زمانی را به مرور آنچه در درس گذشته دیدیم، اختصاص دهیم. دریافتیم که داستان ابراهیم به پنج مرحله متقارن تقسیم می‌شود. مرحله اول زندگی ابراهیم با پیشینه و تجربیات اولیه ابراهیم در ۱۱: ۱۰ تا ۱۲: ۹ شروع می‌شود. مرحله دوم بر چندین واقعه مربوط به تعاملات اولیه ابراهیم با نمایندگان سایر ملل در ۱۲: ۱۰ تا ۱۴: ۲۴ تمرکز می‌کند. مرحله سوم و قسمت اصلی بر عهدی که خدا در ۱۵: ۱ تا ۱۷: ۲۷ با ابراهیم بست متمرکز می‌شود. چهارمین مرحله به تعاملات متاخر ابراهیم با نمایندگان سایر ملل، در ۱۸: ۱ تا ۲۱: ۳۴ توجه می‌کند و مرحله پنجم در ۲۲: ۱ تا ۲۵: ۱۸ به ذریت و مرگ ابراهیم

می‌پردازد. این پنج مرحله، زندگی ابراهیم را در الگویی متقارن به تصویر می‌کشد. مرحله پنجم، که به عهد خدا با ابراهیم می‌پردازد به عنوان هسته مرکزی زندگی ابراهیم عمل می‌کند. دومین و چهارمین مرحله که بر تعاملات ابراهیم با سایر ملل تمرکز می‌کنند، با هم مقایسه می‌شوند و اولین و آخرین مرحله با پایان دادن به داستان زندگی ابراهیم و دنبال کردن رد پای ابراهیم در زنجیره فامیلی او از گذشته تا به آینده، به حالت متناظر عمل می‌کنند. علاوه بر ساختار اصلی زندگی ابراهیم، همچنین در درس گذشته آموختیم که موسی از نوشتن زندگی ابراهیم هدفی داشت. موسی درباره ابراهیم نوشت تا به اسرائیلیان بیاموزد که چرا و چگونه باید مصر را پشت سر گذاشته، ترک می‌کردند و به سوی تسخیر سرزمین وعده پیش می‌رفتند. به عبارت دیگر، با مشاهده پیشینه تاریخی زندگی خودشان در ابراهیم، با یافتن الگو و نمونه‌هایی برای اطاعت یا پرهیز در داستان‌های ابراهیم و با تشخیص اینکه چگونه زندگی ابراهیم پیش‌سایه‌ای از زندگی خود آنهاست، اسرائیلیان پیرو موسی می‌توانستند راه‌هایی که باید برای رسیدن به هدفی که خدا برای آنها در نظر داشت، ببینند. با مرور درس گذشته، حال آماده‌ایم که به کاربرد امروزی داستان‌های زندگی ابراهیم بپردازیم.

ابراهیم و عیسی

بیایید اول به روابط موجود بین ابراهیم و عیسی نگاهی بیاندازیم. متأسفانه اکثر اوقات مسیحیان زندگی ابراهیم را کم و بیش مستقیماً به زندگی‌های امروزی خود ربط داده و عملی می‌کنند. ما به داستان زندگی ابراهیم به عنوان یک داستان ساده اخلاقی که مستقیماً با زندگی ما سخن می‌گوید توجه می‌کنیم. به هر حال، ما مسیحیان می‌دانیم که رابطه ما و ابراهیم توسط یک واسطه است؛ زندگی ابراهیم به ما مربوط شده چون ما به نسل خاص او یعنی مسیح، پیوسته‌ایم. مسیح بین ما و ابراهیم قرار گرفته است و به همین خاطر باید همیشه داستان‌های کتاب مقدس درباره ابراهیم را در پرتو مسیح و کار او ببینیم.

برای درک رابطه بین ابراهیم و مسیح به دو مطلب می‌پردازیم. از یک سو، بررسی می‌کنیم که چگونه عهد جدید تعلیم می‌دهد که مسیح نسل ابراهیم است و از سوی دیگر، خواهیم دید که چهار مضمون یا موضوع اصلی که در زندگی ابراهیم به آن اشاره کردیم چگونه به مسیح به عنوان نسل ابراهیم مربوط می‌شود. بیایید اول به مفهوم عیسی به عنوان نسل ابراهیم بپردازیم.

نسل ابراهیم

حال این حس وجود دارد که ابراهیم پدر همه ایمانداران در طول تاریخ است اعم از مرد و زن و بچه. همه ما عضوی از خانواده او، فرزندان او و وراث او هستیم. اما همانطور که خواهیم دید، عهد جدید این مطلب را

روشن می‌کند که ما به دلیل پیوستن به مسیح که از نسل خاص ابراهیم است از این موقعیت برخوردار و بهره‌مندیم. برای درک این مطلب که چگونه کتاب مقدس این دیدگاه را به ما می‌دهد مختصراً به دو موضوع خواهیم پرداخت. اول، یگانگی مفهوم «نسل»، دوم، مفهوم مسیح به عنوان نسل بی‌همتای ابراهیم.

یگانگی

بیاید اول بر روش‌هایی که کتاب مقدس برای جلب توجه به موضوع یگانگی مفهوم نسل ابراهیم به کار برده تامل کنیم. شاید مهم‌ترین متنی که بر این موضوع صحنه گذاشته غلاطیان ۳: ۱۶ باشد. این قسمت از کلام خدا می‌گوید:

اما وعده‌ها به ابراهیم و به نسل او گفته شد و نمی‌گوید «به نسل‌ها» که گویا دربارهٔ بسیاری باشد، بلکه دربارهٔ یکی و «به نسل تو» که مسیح است. (غلاطیان ۳: ۱۶)

در این متن، پولس به این واقعیت که خدا در پیدایش با ابراهیم و نسل یا اولاد او عهد بست اشاره می‌کند. اما به کلمهٔ «نسل» توجه کنید که پولس چگونه این کلمه را تفسیر می‌کند. او بیان می‌کند که خدا این وعده‌ها را به ابراهیم و نسل‌های او - به صورت جمع - نداده بلکه به ابراهیم و نسل او، یعنی یک شخص که همان مسیح است.

پولس با توجه به اینکه لغت عبری زرا که به «نسل» ترجمه شده، به صورت مفرد است از این موضع دفاع می‌کند و موضوع را پیش می‌برد. همین مطلب در مورد لغت یونانی اسپرما که در ترجمهٔ یونانی عهد عتیق موجود در زمان پولس بود نیز صدق می‌کند. همانطور که پولس اشاره می‌کند، خدا به ابراهیم نگفت که وعده‌ها به ابراهیم و نسل‌های او (به صورت جمع) داده می‌شود بلکه به نسل او، به صورت مفرد.

حال در ظاهر به نظر می‌رسد که منظور پولس بسیار آسان و واضح است. میراث ابراهیم فقط به یک نسل یا یک نَسَب می‌رسد چون لغت به کار رفته به صورت مفرد آمده است. اما بحث پولس دربارهٔ مفرد بودن کلمهٔ «نسل» مفسران را به دردسر انداخته است. شاید بتوان مسئله را اینطور مطرح کرد. درست است که لغت «نسل» یا همان «زرا» به صورت مفرد به کار رفته اما در بیشتر موارد در عهد عتیق، که مشمول داستان‌های زندگی ابراهیم هم می‌شود، لغت «نسل» به صورت مفرد به یک مجموعه که معنای مفرد می‌دهد بر می‌گردد، لغت مفردی که به یک گروه اشاره می‌کند. لغت عبری زرا یا «نسل» بیشتر شبیه کلمهٔ فارسی «ترکه» به معنی اولاد یا ذریت است. گرچه این کلمه به صورت مفرد است می‌تواند به یک ترکه یا ذریت یا همان فرزند اشاره کند و یا به مجموعهٔ اولاد یا ذریت به صورت جمع نیز نسبت داده شود.

برای مثال، اصطلاح «نسل» یا زرا قطعا در پیدایش ۱۵: ۱۳، در معنی به صورت جمع آمده است. خدا با این کلمات با ابراهیم سخن گفت:

یقین بدان که ذریت تو در زمینی که از آن ایشان نباشد، غریب خواهند بود، و آنها را بندگی خواهند کرد، و آنها چهارصد سال ایشان را مظلوم خواهند داشت (پیدایش ۱۵: ۱۳)

در اینجا، کلمه «ذریت» ترجمه لغت مفرد زرا است. اما این لغت آشکارا در معنی شکل جمع دارد. این آیه از نسل با عنوان «از آن ایشان» به صورت جمع سخن می‌گوید و افعال «بندگی خواهند کرد و مظلوم خواهند شد» نیز در عبری به صورت جمع به کار رفته‌اند. البته پولس می‌دانست که لغت «نسل» به صورت مفرد در پیدایش بارها بر بیش از یک نفر دلالت می‌کرده است. در حقیقت خود پولس وقتی غلاطیان ۳: ۲۹ را می‌نوشت از لغت نسل به صورت جمع استفاده می‌کند و اینطور می‌نویسد:

هر آینه نسل ابراهیم و بر حسب وعده وارث هستید. (غلاطیان ۳: ۲۹)

در متن یونانی این آیه، عبارت «هستید» به «استه» که فعل جمع است ترجمه شده و «نسل ابراهیم» با کلمه «وراث» یا همان «کلرنومی» که به صورت جمع است مترادف و هم معنی است. با در اختیار داشتن این اطلاعات باید این سوال را بپرسیم که اگر پولس می‌دانست که شکل مفرد کلمه «نسل» می‌تواند بر بیش از یک شخص هم دلالت داشته باشد، پس چرا بر مفرد بودن آن تاکید می‌کند؟ به احتمال زیاد، پولس بخش خاصی از زندگی ابراهیم را در نظر داشت یعنی پیدایش ۲۲: ۱۶-۱۸. در این آیات لغت «نسل» قطعا در معنی مفرد آمده است. به ترجمه تحت‌اللفظی این آیات گوش کنید:

خداوند می‌گوید: «به ذات خود قسم می‌خورم، چون تو پسر خود را، پسر یگانه خود را دریغ نداشتی، هر آینه تو را برکت دهم و نسل تو را کثیر سازم مانند ستارگان آسمان و مثل ریگ‌هایی که بر کناره دریاست و نسل تو دروازه‌های دشمنانش را متصرف خواهد شد و از نسل تو جمیع امت‌های زمین برکت خواهند یافت، چونکه قول مرا شنیدی.» (پیدایش ۲۲: ۱۶-۱۸، تحت‌اللفظی)

متاسفانه، بسیاری از مترجمان معاصر این بخش از کلام خدا را طوری ترجمه می‌کنند که لغت «نسل» به شکل مجموعه‌ای مفرد آورده می‌شود. اما باید به یاد داشته باشیم که این آیه بخشی از داستان قربانی کردن اسحاق است و اینجا کلمه «نسل» به ذریت ابراهیم به شکل تعمیم یافته دلالت نمی‌کند بلکه به اسحاق، پسر ابراهیم بر می‌گردد. فعل «متصرف خواهد شد» در عبری به شکل مفرد آمده است و توجه کنید که مفعول این جمله «دشمنانش» نیز به صورت مفرد است. همانطور که در دروس بعدی خواهیم دید، پیدایش باب ۲۲ و باب‌های بعد از آن، درصدد نشان دادن برتری اسحاق پسر سارای بر سایر برادرانش، یعنی پسران هاجر و پسران قطوره است. اسحاق نسل خاص وعده بود، شخصی که خدا او را به عنوان یگانه وارث ابراهیم انتخاب کرده بود. بنابراین پیش از تولد اسحاق، کتاب پیدایش معمولاً از لغت «نسل» ابراهیم به صورت یک مجموعه و به معنی «ذریت» به صورت جمع سخن می‌گوید اما در اینجا این کلمه بر اسحاق به عنوان فرزنددی که وعده‌های ابراهیم را به ارث برده توجه و تاکید می‌کند.

به این ترتیب، می‌توانیم بفهمیم منظور پولس وقتی به نسل ابراهیم به شکل مفرد اشاره می‌کرد چه بوده است. پولس توضیح می‌دهد که در پیدایش باب ۲۲ خدا به ابراهیم و صرفاً همه ذریت او وعده‌ها را نداد. او اشاره می‌کند که مفرد بودن کلمه «نسل» در پیدایش ۲۲: ۱۶-۱۸ نشان می‌دهد که وعده‌ها به اسحاق، پسر خاص ابراهیم و وارث او، داده می‌شوند.

مسیح به عنوان نسل

با در نظر داشتن یگانگی نسل ابراهیم، حال می‌توانیم به این نکته بپردازیم که مسیح نسل ابراهیم است. بیایید دوباره به آنچه پولس رسول در غلاطیان ۳: ۱۶ می‌گوید گوش کنید:

اما وعده‌ها به ابراهیم و به نسل او گفته شد و نمی‌گوید «به نسل‌ها» که گویا دربارهٔ بسیاری باشد، بلکه دربارهٔ یکی و «به نسل تو» که مسیح است. (غلاطیان ۳: ۱۶)

در این قسمت از کلام، پولس نه فقط توجه را به یگانگی مسیح بلکه به این حقیقت نیز جلب می‌کند که مسیح یگانه نسل ابراهیم است. حال همانطور که قبلاً دیده‌ایم، برحسب معانی اولیهٔ پیدایش تنها نسل ابراهیم که موسی دربارهٔ آن نوشته است کسی نیست جز اسحاق، پسر یگانهٔ وعده که از سارای متولد شد. با این نگاه، چگونه می‌توانیم دریابیم که وقتی پولس می‌نویسد عیسی تنها نسل ابراهیم است، منظورش چیست؟

بیایید این طور فکر کنیم: میراث ابراهیم، میراثی خانوادگی بود که به ذریت او تعلق داشت. اما در بسیاری از مطالب مهم تاریخ کتاب مقدس خدا چندین شخصیت کلیدی را به عنوان وارثین خاصی که میراث

ابراهیم را دریافتند یا به سایرین انتقال دادند، انتخاب می‌کند. در مورد اسحاق، او نسل خاصی بود که از سایر پسران ابراهیم متمایز بود. وقتی اسحاق صاحب دو پسر شد، یعقوب و عیسو، خدا یعقوب را برگزید تا نسل خاص ابراهیم باشد و عیسو و ذریش را محروم کرد. از یعقوب دوازده پدر یا پاتریارک قبایل اسرائیل متولد شدند، اما در میان قبایل اسرائیل چند نفر وارثان خاص ابراهیم بودند. برای مثال، زمانی که آنها از مصر به سمت سرزمین وعده حرکت می‌کردند، موسی رهبر و میانجی خدا در میان قوم بود. بعدها وقتی اسرائیل حکومتی پیشرفته و با ثبات شد داوود و پسرانش نقش میانجی‌گران و وارثان ابراهیم را در میان قوم بر عهده داشتند.

همین نقش داوود و پسرانش پولس را سوق می‌دهد تا از مسیح به عنوان آخرین نسل اعظم ابراهیم نام برد چون عیسی وارث به حق پادشاهی داوود است. او توسط خدا برگزیده شده بود تا پادشاه ابدی قومش باشد. او، ماشیح، فرزند یا نسل اعظم ابدی پادشاهی ابراهیم است. به همین منوال، خود به خود مسیح تنها شخصی است که از طریق وی هر کس دیگری می‌تواند در ارث ابراهیم سهیم باشد. هیچ کس جدا از مسیح هرگز نمی‌تواند به وعده‌های داده شده به ابراهیم برسد. درک این نکته که چگونه مسیح آخرین نسل ابراهیم است، کمک می‌کند تا به نقش او در دوره سه مرحله‌ای ملکوت نجاتی که به جهان آورد تامل کنیم.

پس می‌توانیم رابطه عیسی و ابراهیم را به این شکل خلاصه کنیم. از دیدگاه مسیحی، عیسی یگانه و آخرین نسل ابراهیم است. و به عنوان مسیحیان وقتی می‌خواهیم زندگی ابراهیم را به دنیای امروزی ربط دهیم، همیشه باید این نکته را در نظر داشته باشیم که رابطه بین ابراهیم و دنیای ما این است که برکات عظیم ابراهیم در زمانی که مسیح پادشاهی خود را آغاز کرد، و زمان حاضر که پادشاهی خود را وسعت و گسترش می‌بخشد و در زمان به کمال رساندن ملکوتش در آینده نیز منقل می‌شود.

عهد جدید تعلیم می‌دهد که مسیح میراث ابراهیم را در سه مرحله اصلی دریافت کرد و آن را انتقال می‌دهد. اول، در آغاز ملکوتش که با اولین ظهورش صورت گرفت. دوم، در ادامه ملکوتش، که در طول تاریخ بعد از اولین ظهورش تا قبل از بازگشتش، گسترده می‌شود و سوم، در به کمال رسیدن ملکوتش در بازگشت ثانویه پرچالاش. او با نشستن بر دست راست خدای پدر و سلطنت بر همگان، میراث ابراهیم را در مقیاسی بزرگتر دریافت و آن را منتقل می‌کند. در آن روزی که با جلال باز می‌گردد میراث ابراهیم را به کمال و تمام دریافت کرده و کاملاً عطا می‌کند.

در یک کلام، درک این موضوع بسیار مهم است که پولس در غلاطیان ۳: ۱۶ یک دیدگاه نسبتاً پیچیده الاهیاتی را در چند کلمه خلاصه می‌کند. وقتی پولس می‌گوید که وعده به ابراهیم و یگانه نسل او داده شده و بعد آن نسل را با مسیح یکی می‌کند، نمی‌گوید که کلمه «نسل» که در پیدایش به کار رفته مستقیماً به عیسی بر می‌گردد. بلکه پولس از یک روش خلاصه شده‌ای برای ایجاد رابطه نمادین موجود بین اسحاق و مسیح سخن

می‌گوید. به بیان جامع‌تر، می‌شود گفت همانطور که اسحاق در روزگار خود وارث اصلی ابراهیم به شمار می‌رفت، مسیح پسر ارشد ابراهیم و وارث اصلی ابراهیم در دورهٔ عهد جدید است.

مضامین اصلی

برای اینکه کاملاً به اهمیت مفهوم مسیح به عنوان نسل ابراهیم پی ببریم، بررسی این مطالب در پیوند با چهار مضمون اصلی که در داستان‌های ابراهیم به آنها پرداختیم می‌تواند سودمند باشد. به یاد می‌آورید که ما به چهار مضمون اصلی در این باب‌های پیدایش برخوردیم: فیض الهی، وفاداری ابراهیم، برکت خدا به ابراهیم و برکت خدا از طریق ابراهیم. چگونه می‌توانیم در سایهٔ روابط موجود بین ابراهیم و مسیح به این درونمایه‌ها پی ببریم؟

فیض الهی

در مرحلهٔ اول دیدیم که خدا در زندگی ابراهیم فیض زیادی نصیبش کرد. البته چون ابراهیم گناهکار بود باید شخصاً مورد فیض قرار می‌گرفت، اما مضاف بر آن رحمت خدا نسبت به ابراهیم نیز نمایشی عینی از لطف خدا بود. در واقع، خدا با برقراری رابطه با ابراهیم کمک کرد تا همهٔ جهان نجات یابد.

حال ما مسیحیان ایمان داریم که هر قدر خدا در زندگی ابراهیم به او لطف کرد، فیض خدا نسبت به او سایه‌ای از رحمتی بود که خدا در مسیح نشان داد. البته که مسیح خود گناهی نداشت، بنابراین او خود فیض نجات را دریافت نکرد اما با این وجود آنچه از مسیح به عنوان نسل ابراهیم حاصل می‌شود نمایش عینی عظیم از رحمت خدا به جهان است.

خدا در اولین ظهور مسیح یعنی آغاز ملکوت، رحمت زیادی نشان داد. زندگی، مرگ، رستاخیز و صعود او و نزول روح‌القدس نمایش پرشکوه فیض خدا بودند. و حال که مسیح در ادامهٔ ملکوتش در آسمان سلطنت می‌کند، خدا رحمت بیشتری ارزانی می‌دارد. در حالی که نجات در جهان گسترش می‌یابد، خدا رحمت آشکار شده در مسیح را از طریق تحولی انکارناپذیر در تاریخ به نمایش گذاشته است. وقتی مسیح بازگردد، به کمال رسیدن ملکوت، رحمت بی‌کرانی در پی خواهد داشت. مسیح باز خواهد گشت و آسمان و زمینی جدید خواهد آورد. ما پیروان مسیح، هر بار که در طول داستان‌های ابراهیم رحمت خدا را می‌بینیم، باید قلب‌ها و افکارمان متوجه رحمتی باشد که خدا در این سه مرحله از ملکوتش در مسیح نشان داده است.

وفاداری ابراهیم

در مرحلهٔ دوم، موضوع مهم دیگر در اظهارات موسی از زندگی ابراهیم، وفاداری ابراهیم نسبت به خدا بود. در آغاز، خدا از ابراهیم خواست تا مسئولیت مهاجرت به زمین وعده را به انجام برساند. اما خدا در طول زندگی

ابراهیم درخواست‌های متعدد دیگری نیز از او داشت. ما مسیحیان، وقتی داستان مسئولیت‌هایی که بر دوش ابراهیم گذاشته شده بود را می‌خوانیم، باید قلب و افکارمان را به سوی مسیح به عنوان نسل ابراهیم و وفاداری او به پدر آسمانی‌اش متمرکز کنیم.

و البته مسیح در هر سه این مراحل از ملکوتش، به پدر وفادار بود. در آغاز ملکوت، خود مسیح ثابت کرد که تماماً به خواسته خدا به وفاداری پایبند است. گرچه ابراهیم در موارد بسیار مهمی به خدا وفادار بود، مسیح در هر لحظه از زندگی‌اش کاملاً وفادار باقی ماند. علاوه بر این، مسیح به عنوان پادشاه عالم، در طول ادامه ملکوتش، نسبت به پدر آسمانی‌اش صادق و وفادار می‌ماند. او در عین سلطنت بر همه عالم، با بشارت و نجات قومش اهداف خدا را به طور تمام و کمال به انجام می‌رساند.

و سرانجام وقتی مسیح در زمان به کمال رسیدن ملکوت باز می‌گردد، عدالتی را که هنگام حیاتش بر زمین شروع کرده بود به انجام خواهد رساند. همه دشمنان خدا را نابود خواهد کرد و برای جلال پدرش همه چیز را تازه خواهد کرد. بنابراین، هر وقت به موضوع وفاداری ابراهیم به خدا بر می‌خوریم، می‌دانیم که به عنوان مسیحی، فقط وقتی این موضوع را به طور مناسب به مسیح به عنوان نسل ابراهیم ربط بدهیم، می‌توانیم آن را در دنیای امروز به کار گیریم.

برکت به ابراهیم

در مرحله سوم، ما مسیحیان نه فقط مایلیم بینیم که چگونه موضوعات فیض الاهی و وفاداری بشر، در مسیح به روزگار ما مربوط می‌شود بلکه سومین مضمون اصلی زندگی ابراهیم یعنی برکت به ابراهیم نیز برای ما بی‌اندازه مهم و جالب است. خدا به ابراهیم گفت که اسرائیل قومی عظیم خواهد شد و در زمین وعده صاحب ثروت می‌شود و اینکه ابراهیم و اسحاق شهرت و احترامی جهانی خواهند یافت.

حال بار دیگر، ما مسیحیان باید فکر خود را به سوی برکتی که خدا به مسیح یا نسل ابراهیم داده متوجه کنیم. مسیح در اولین ظهور خود، از مردگان برخاست و همه قدرت در آسمان و زمین را یافت، هیچ نامی در آسمان و زمین به عظمت نام عیسی وجود ندارد. عیسی از فزونی برکات در طی گسترش ملکوتش برخوردار است. وقتی بر طبق وعده خدا بر جهان حکومت می‌کند بیشتر و بیشتر جلال می‌یابد. اما زمانی که ملکوت به کمال برسد، وقتی مسیح با جلال بازگشت کند از این برکات در مقیاسی بی‌نهایت برخوردار خواهد شد. او متعال خواهد بود و هر زانویی در مقابل او یعنی پسر ارشد ابراهیم خم خواهد شد. پس به همین خاطر است که هر وقت می‌بینیم ابراهیم از خدا برکاتی دریافت می‌کند، چشمان ما باید به مسیح دوخته شود که وارث وعده‌های ابراهیم است و از برکات خدا، حتی در مقیاسی بالاتر برخوردار است.

برکت از طریق ابراهیم

سرانجام، چهارمین مضمون اصلی در زندگی ابراهیم، برکاتی است که از طریق ابراهیم به سایرین می‌رسد. خدا گفت که در طی روند برکت و لعنت، همه اقوام زمین از طریق ابراهیم برکت خواهند یافت. این وعده عظیم مورد توجه خاصی در عهد جدید است. به طوری که پولس در رومیان ۴: ۱۳ بر این وعده داده شده به ابراهیم اشاره می‌کند. کلام خدا می‌گوید:

زیرا به ابراهیم و ذریت او، وعده‌ای که او وارث جهان خواهد بود، از جهت شریعت داده نشد بلکه از عدالت ایمان (رومیان ۴: ۱۳)

به این نکته توجه کنید که وقتی خدا به ابراهیم وعده داد که همه ملل را برکت می‌دهد، گفت که این امر با مالکیت ابراهیم بر همه ملل و گسترش ملکوت خدا در همه جهان محقق می‌شود. ابراهیم و فرزندان او، با همه ملل تحت رهبری آنها، وارث جهان می‌شدند. همان‌طور که در آغاز به آدم و حوا گفته شد که بر همه زمین چیره خواهند شد، خدا وعده داد که ابراهیم و ذریتش با انتقال برکات خدا به هر خانواده‌ای از هر قومی، وارث همه زمین خواهند شد.

حال توجه کنید که این موضوع آخر یعنی توزیع برکت ابراهیم در سراسر جهان، به مسیح نیز مربوط می‌شود چون او نسل ابراهیم و وارث وعده‌های ابراهیم است. در آغاز ملکوت، مسیح افرادی وفادار از قوم اسرائیل را فرا می‌خواند، اما وقتی از مردگان بر می‌خیزد و بر تخت آسمانی خود صعود می‌کند، او به عنوان پادشاه تمام زمین بر می‌خیزد و به شاگردان وفادارش می‌گوید که برکت اسرائیل را به همه ملل منتقل کنند. در طی گسترش ملکوت، بسط سلطنت مسیح بر همه ملل از طریق بشارت، تحقق وعده برکت یافتن همه ملل بود که به ابراهیم داده شده بود. وقتی مسیح در زمان به کمال رسیدن ملکوت بازگردد، برکت خدا را بر همه ملل جهان ارزانی خواهد داشت. همان‌طور که در مکاشفه ۲۲: ۱-۲ می‌خوانیم:

و نهری از آب حیات به من نشان داد که درخشنده بود، مانند بلور و از تخت خدا و بره جاری می‌شود. و در وسط شارع عام آن و بر هر دو کناره نهر، درخت حیات را که دوازده میوه می‌آورد یعنی هر ماه میوه خود را می‌دهد و برگ‌های آن درخت برای شفای امت‌ها می‌باشد. (مکاشفه ۲۲: ۱-۲)

این وعده که ابراهیم برای همه ملل برکت خواهد بود نهایتاً، در آغاز گسترش و به کمال رسیدن ملکوت مسیح تحقق می‌یابد.

بنابراین می‌توانیم موضوع را اینگونه خلاصه کنیم: کاربرد امروزی درست از زندگی ابراهیم در دنیای ما باید همیشه دست کم یک اشاره غیرمستقیم به نقش مسیح به عنوان نسل ابراهیم داشته باشد. مسیح به عنوان نسل خاص ابراهیم کسی است که مضامین موجود در زندگی ابراهیم را به انجام رسانده و به کمال می‌رساند. رحمت خدا در مسیح نشان داده شده است؛ وفاداری کامل و صادقانه در مسیح یافت می‌شود؛ مسیح همه برکات داده شده به ابراهیم را دریافت می‌دارد و در مسیح گسترش برکات پرشکوه ابراهیم را تا به انتهای جهان شاهدیم. هر چیز دیگری که بخواهیم درباره کاربرد امروزی بگوییم لازم است که این پیوندها بین ابراهیم و عیسی را به یاد داشته باشیم.

حال که دیدیم رابطه بین ابراهیم و عیسی پیوندی حیاتی بین داستان‌های ابراهیم و دنیای امروز ما ایجاد می‌کند، باید به دومین جنبه از کاربرد امروزی یعنی رابطه بین اسرائیل و کلیسا پردازیم.

اسرائیل و کلیسا

باید همیشه به یاد داشته باشیم که وقتی موسی زندگی ابراهیم را تنظیم می‌کرد، درباره این چیزها نوشت تا قوم اسرائیل را تشویق کند که مصر را ترک کرده، پشت سر بگذارد و سرزمین وعده را تسخیر کرده و وارد آن شود. آنها باید سابقه تاریخی این رویا را در زندگی ابراهیم می‌دیدند و با پیدا کردن نمونه‌هایی برای اطاعت یا پرهیز در داستان زندگی ابراهیم آن را به انجام برسانند و حتی شاهد پیش‌سایه‌هایی از تجربیات خودشان در زندگی ابراهیم باشند. به همین خاطر، اگر بخواهیم بدانیم که داستان‌های ابراهیم چگونه به دنیای امروز مربوط می‌شوند باید به آنچه عهد جدید درباره روابط بین قوم اسرائیل پیرو موسی و کلیسای مسیحی امروز تعلیم می‌دهد توجه کنیم.

برای بررسی این رابطه بین اسرائیل و کلیسا به دو مطلب که در راستای بحث قبلی ما هستند می‌پردازیم. اول، موضوع نسل ابراهیم را که به قوم اسرائیل و کلیسای مسیح مرتبط می‌شود بیشتر مورد بررسی قرار می‌دهیم. دوم، خواهیم دید که موضوع نسل ابراهیم چگونه در چهار مضمون اصلی داستان‌های زندگی ابراهیم عنوان شده است. بیایید اول به اسرائیل و کلیسا به عنوان نسل ابراهیم نگاهی بیاندازیم.

نسل ابراهیم

برای درک رابطه بین اسرائیل و کلیسا به عنوان نسل ابراهیم به طور خلاصه به چهار موضوع می‌پردازیم. اول، شاهد تعدد شمار نسل ابراهیم خواهیم بود، دوم، به هویت قومی نسل او توجه می‌کنیم، سوم، بر

شخصیت روحانی نسل ابراهیم متمرکز می‌شود و چهارم، به موقعیت تاریخی نسل ابراهیم نظری خواهیم انداخت. ابتدا نسل ابراهیم را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تعدد شمار نسل ابراهیم

همانطور که دیدیم کتاب پیدایش به وضوح روشن می‌کند که واژه «نسل ابراهیم» گهگاه به شخص خاصی، یعنی اسحاق، اطلاق می‌گردد و عهد جدید به این مطلب می‌پردازد تا بین ابراهیم و مسیح رابطه و پیوند ایجاد کند. اما حال باید دید خود را وسیع‌تر سازیم تا جنبه دیگری از دیدگاه کتاب مقدسی درباره نسل ابراهیم را مشاهده کنیم. اسحاق تنها شخصی نبود که در داستان‌های ابراهیم، نسل یا ذریت ابراهیم خوانده شد. اسحاق میراث ابراهیم را فقط برای خود دریافت نکرد، او همچنین رابطی بود تا تعداد بیشتری از ذریت ابراهیم از این موقعیت برخوردار شوند. به همین خاطر موسی بارها و بارها، درباره قوم اسرائیل به عنوان نسل ابراهیم سخن گفت و به طریقی مشابه، وقتی که ما داستان‌های ابراهیم را به دنیای امروزمان ربط می‌دهیم، در عین حال که مهم است به یاد داشته باشیم که مسیح آخرین نسل و فرزند ابراهیم در عهد جدید است، همچنین باید به خاطر داشته باشیم که کلیسای مسیح نیز نسل ابراهیم به شمار می‌آید. همانطور که پولس در غلاطیان ۳: ۲۹ می‌گوید:

... هر آینه نسل ابراهیم و بر حسب وعده، وارث هستید... (غلاطیان ۳: ۲۹)

همانطور که پولس در این عبارت روشن می‌کند، ما به ابراهیم پیوند خوردیم چون به مسیح پیوسته‌ایم. ما مثل قوم اسرائیل در عهد جدید، نسل ابراهیم هستیم. به همین سبب، داستان‌های ابراهیم فقط به خود مسیح مربوط نمی‌شوند بلکه به شمار زیادی از فرزندان ابراهیم که در کلیسا با او یکی شناخته می‌شوند نیز مرتبط می‌شوند.

هویت قومی

حال گذشته از این واقعیت که اسرائیل در عهد عتیق نسل ابراهیم به شمار می‌آمد و امروزه کلیسای مسیح، باید به تشریح هویت قومی نسل ابراهیم در هر دو عهد پردازیم. همانطور که دیدیم داستان‌های ابراهیم در وهله اول برای قوم اسرائیلی که موسی را پیروی می‌کرد نوشته شدند. گرچه کاملاً درست است که اکثریت مخاطبان اولیه را قوم یهود تشکیل می‌دادند که از لحاظ جسمانی و رابطه خونی ذریت ابراهیم بودند، ولی اشتباه است اگر فکر کنیم که خوانندگان اولیه مطلقاً یا صرفاً یهودیان بودند. عده زیادی از مردمی که موسی را پیروی

می‌کردند آمیزه‌ای از یهودیان و غیریهودیانی بودند که در اسرائیل پذیرفته شده بودند. در نتیجه، گهگاه کتاب مقدس این نکته را روشن می‌سازد که خوانندگان اولیهٔ پیدایش صرفاً یهودی یا یهودی‌زاده نبودند. به عنوان مثال به نوع توصیف موسی از پیروانش در کتاب خروج ۱۲: ۳۸ گوش دهید:

گروهی مختلفی بسیار نیز همراه ایشان بیرون رفتند و گله‌ها و رمه‌ها و مواشی بسیار سنگین. (خروج ۱۲: ۳۸)

به این نکته توجه کنید که در میان اسرائیلیان «گروهی مختلفی» بودند. این دسته شامل غیریهودیانی بود که به اسرائیل پیوستند و همراه آنان از مصر خارج شدند. هر از گاهی از این گروه در کتاب مقدس اسم برده می‌شود. به طریقی مشابه، بخش‌های بعدی عهد عتیق نشان می‌دهد که غیریهودیان مشهوری چون راحاب و روت در نسل‌های بعدی در اسرائیل پذیرفته شدند و نسب‌نامه ذکر شده در اول تواریخ باب ۱ تا ۹ شامل اسامی غیریهودیانی است که در میان قوم خدا بودند.

پس می‌بینیم آن نسل ابراهیم که موسی در اصل داستان‌های ابراهیم را برای آنها نوشت، از لحاظ قومی مختلط بود و شامل ذریت جسمانی ابراهیم و غیریهودیانی می‌شد که در میان اسرائیل پذیرفته شده بودند. هر دو گروه، از طریق داستان‌های ابراهیم دربارهٔ آینده خود در سرزمین موعود مطلع و آگاه می‌شدند.

به همین ترتیب، امروزه کلیسای مسیحی از نظر قومی متنوع است. کلیسا متشکل از یهودیانی است که مسیح را به عنوان خداوند خود پذیرفته‌اند و نیز غیر یهودیانی که در خانوادهٔ ابراهیم پذیرفته شده‌اند چون آنها نیز مسیح را به عنوان خداوند پذیرفته‌اند. با این حساب، مسلماً همانطور که تاریخ نشان می‌دهد، کلیسای عهد جدید رشد کرده است به طوری که کلیسا غیریهودیان بیشتری نسبت به آنچه یهودیان پذیرفته بودند در خود جای داده است، اما تنوع قومی در نسل ابراهیم، امروز هم هنوز یک واقعیت است، همان‌طور که در عهد عتیق بود. بنابراین، همانطور که داستان‌های ابراهیم اول به یهودیان و غیریهودیانی که نسل ابراهیم به حساب می‌آمدند داده شد، باید آماده باشیم که داستان‌های ابراهیم را به یهودیان و غیریهودیانی که جزو کلیسای جهانی هستند و امروزه نسل ابراهیم محسوب می‌شوند مرتبط بدانیم.

این جنبه از کاربرد امروزی بسیار مهم است، چون بسیاری از مسیحیان این آموزه غلط را که وعده‌های داده شده به ابراهیم، امروزه فقط به قوم یهود مربوط می‌شوند، تأیید می‌کنند. در این دیدگاه، خدا برای ایمانداران غیریهودی نقشهٔ جداگانه‌ای دارد. به غیر از چند اصل روحانی اینجا و آنجا، غیریهودیان ایماندار وارث وعده‌های داده شده به ابراهیم نیستند. گرچه شاید این دیدگاه رایج باشد ولی ما همیشه باید به یاد داشته باشیم که نسل ابراهیم در روزگار موسی از نظر قومی متنوع بود و امروزه نیز نسل ابراهیم از نظر قومی متنوع است. آنچه موسی به قوم و پیروانش تعلیم داد امروزه به دنبالهٔ رشتهٔ همان قوم یعنی کلیسای عیسای مسیح مربوط می‌شود.

شخصیت روحانی

در مرحله سوم از کاربرد امروزی زندگی ابراهیم، باید شخصیت روحانی اسرائیل و کلیسا را نیز به عنوان نسل ابراهیم مورد توجه قرار دهیم. همانطور که دیدیم، عهد عتیق قوم مرئی اسرائیل را به عنوان نسل ابراهیم می‌شناسد، منظور ما قوم یکپارچه و متحد اسرائیل است، اما لازم است که بدانیم در بین قوم مرئی اسرائیل از لحاظ روحانی تنوع وجود داشت. در بین قوم هم بی‌ایمانان و هم ایمانداران راستین وجود داشتند. گزارش عهد عتیق به وضوح روشن می‌کند که بسیاری از مردان، زنان و بچه‌ها در قوم اسرائیل، ایمانداران واقعی نبودند، اما عده‌ای دیگر که بر وعده‌های خدا توکل می‌کردند، ایمانداران واقعی بودند. مسلماً، همه قوم اسرائیل، هم ایمانداران، هم بی‌ایمانان، برکات خاص موقت زیادی دریافت کردند. همه آنها از اسارت مصر رهایی یافتند؛ همه آنها در سینا وارد رابطه عهدی با خدا شدند؛ همه آنها برای ایمان آوردن فرصت‌های زیادی داشتند و به همه آنها پیشنهاد ورود به سرزمین وعده داده شد. اما در عین حال تفاوت‌های مهمی نیز وجود داشت. از یک سو، بی‌ایمانانی که در میان اسرائیل بودند با روی برگرداندن از خدا و بت‌پرستی ماهیت واقعی قلب‌هایشان را نشان دادند. داستان‌های ابراهیم به گونه‌ای تدوین شده بود تا آنها را به توبه حقیقی و ایمان نجات‌بخش فرا خواند.

از طرف دیگر، ایمانداران راستین قوم اسرائیل به وعده‌های خدا ایمان آوردند و از طریق وفاداری ماهیت اصلی قلب‌هایشان را نشان دادند. داستان‌های ابراهیم طرح‌ریزی شده بودند تا این ایمانداران واقعی تشویق شده و در ایمان رشد کنند. اکنون بی‌ایمانان اسرائیل به خاطر بی‌دینی خود فقط برکات موقت دریافت کردند اما در ابدیت داوری ابدی و نهایی خدا را دریافت خواهند کرد. این ایمانداران راستین که نسل واقعی ابراهیم بودند، ذریت روحانی او، فرزندان بودند که نه تنها از بسیاری از برکات موقت بهره می‌برند بلکه روزی به برکت ابدی میراث ابراهیم در آسمان و زمین جدید خواهند رسید. پولس بحث خود را بر این دیدگاه در رومیان ۹: ۶-۸ پیش می‌برد. بیایید ببینیم پولس در این آیات چه می‌گوید.

... زیرا همه که از اسرائیل‌اند، اسرائیلی نیستند و نه نسل ابراهیم تماماً فرزند هستند؛ بلکه نسل تو در اسحاق خوانده خواهند شد. یعنی فرزندان جسم، فرزندان خدا نیستند، بلکه فرزندان وعده از نسل محسوب می‌شوند. (رومیان ۹: ۶-۸)

با این حساب مشاهده تنوع روحانی در کلیسای مسیح کار دشواری نیست. کسانی که از طریق تعمید در عهد جدید به کلیسای مرئی پیوستند از دو گروه هستند: بی‌ایمانان و ایمانداران. البته، همانطور که همه قوم اسرائیل عهد عتیق به خاطر پیوند با خدا و قومش، از بسیاری امتیازات موقت بهره‌مند شدند، همه افرادی که در

کلیسای مسیح هستند نیز برکات موقت زیادی را دریافت می‌کنند. آنها جمع و اجتماعی صمیمی هستند، کلام خدا و مراسم آیینی دارند، آنها انجیل را در اختیار دارند. اما بسیاری در بین کلیسای مرئی ماهیت واقعی قلب‌های‌شان را با بی‌دینی نشان داده‌اند و داستان‌های ابراهیم باید برای دعوت به توبه حقیقی و ایمان نجات‌بخش به این گروه از بی‌ایمانان کلیسا به کار گرفته شود.

اما در میان کلیسای مرئی، ایمانداران راستینی هستند که بر وعده‌های خدا توکل می‌کنند و ماهیت واقعی قلب‌های‌شان را از طریق وفاداری نشان می‌دهند. داستان‌های ابراهیم باید با تشویق آنها به رشد ایمان در طول زندگی‌شان، برای این گروه از ایمانداران راستین مورد استفاده قرار گرفته شود. حال، بی‌ایمانان کلیسا به خاطر بی‌دینی‌شان فقط برکات موقتی دریافت می‌کنند. در ابدیت، آنها با داوری نهایی خدا مواجه خواهند شد. اما نسل واقعی ابراهیم، فرزندان حقیقی ابراهیم، آنها که بر مسیح توکل کرده‌اند نه تنها از برکات موقت بسیاری برخوردار خواهند شد بلکه همچنین روزی به پاداش نهایی خود، یعنی میراث ابراهیم، در آسمان و زمین جدید می‌رسند.

به همین خاطر است که یعقوب در ۲: ۲۱-۲۲ خطاب به کلیسای مرئی مسیحی، هم بی‌ایمانان و هم ایمانداران راستین آن، این کلمات را می‌گوید:

آیا پدر ما ابراهیم به اعمال، عادل شمرده نشد وقتی که پسر خود اسحاق را به قربانگاه گذرانید؟ می‌بینی که ایمان با اعمال او عمل کرد و ایمان از اعمال، کامل گردید. (یعقوب ۲: ۲۱-۲۲)

منظور اصلی یعقوب اینجا این بود که داستان‌های ابراهیم بی‌ایمانان کلیسا را تشویق می‌کند تا بکوشند از ریاکاری دست بردارند و ایمانداران راستین کلیسا را تشویق می‌کند تا با زندگی ایمانی، ایمان خود را نشان دهند. همه ما باید از نمونه یعقوب تبعیت کنیم، در عین حال که از تنوع روحانی کلیسا در این زمانه آگاه هستیم، باید از داستان‌های ابراهیم که کاربردهای امروزی دارند بهره بگیریم.

موقعیت تاریخی

در مرحله چهارم، برای کاربرد امروزی از زندگی ابراهیم، همچنین باید به یاد داشته باشیم که تشابهی مهم بین موقعیت تاریخی اسرائیلی که موسی را پیروی می‌کرد با کلیسای مسیحی در این دوره وجود دارد. به یاد دارید که موسی درباره زندگی ابراهیم برای اسرائیلیانی نوشت که در حال سفر بودند. خواه او برای نسل اول یا نسل دوم خروج می‌نوشت، مخاطبان اولیه او بین دو دنیا در سفر بودند. از یک سو، آنها اسارت مصر را ترک کرده بودند. از سوی دیگر، هنوز به سرزمین وعده، کنعان، داخل نشده بودند. یا به بیانی دیگر، قوم اسرائیل به آزادی اولیه از سرزمین قدیمی‌شان رسیده بودند، اما هنوز وارد سرزمین جدیدشان نشده بودند. در نتیجه موسی برای

اسرائیل نوشت تا آنان را تشویق کند همه وابستگی‌های خود را در مصر ترک کرده، به سمت پیروزی در آن سرزمین پیش بروند.

موقعیت تاریخی خوانندگان اولیه برای کاربرد امروزی اهمیت دارد چرا که امروزه کلیسای مسیحی در موقعیت تاریخی مشابهی قرار دارد. همانگونه که اسرائیل از اسارت مصر رهایی یافت ولی هنوز به سوی زندگی پر جلال در سرزمین وعده پیش می‌رفت، کلیسای مسیح به واسطه کاری که مسیح در زمانی که بر روی زمین بود انجام داد از قلمرو گناه نجات یافته است اما هنوز به سوی جلال خلقتی تازه، که با بازگشت مسیح شکل خواهد گرفت، پیش می‌رود. این موقعیت‌های مشابه معیار سنجشی برای کاربردی کردن زندگی ابراهیم، در کلیسای امروز را برای ما فراهم می‌کند. همان‌طور که موسی درباره ابراهیم نوشت تا اسرائیل را در طی سفر خود از مکانی به مکان دیگر تشویق و هدایت کند، داستان‌های او ما را نیز در طول سفر از دنیای مرگ به دنیای حیات جاودان، تشویق و هدایت می‌کند.

می‌توانیم خاطر جمع باشیم که این برابری موقعیت‌های تاریخی با چنین جهت‌گیری برای استفاده و کاربرد ما تدارک دیده شدند چون پولس رسول در طی تعالیمش عهد عتیق را برای کلیسای قرن‌تس مثال می‌زند و از مصداق‌های عهد عتیق سخن می‌گوید. به شیوه‌ای که او برای توجه به برابری‌های تاریخی بین خوانندگان موسی و کلیسا، در قرن‌تین ۱۰: ۱-۶ استفاده کرده گوش کنید:

زیرا ای برادران نمی‌خواهم شما بی‌خبر باشید از اینکه پدران ما همه زیر ابر بودند و همه از دریا عبور نمودند و همه به موسی تعمیم یافتند، در ابر و در دریا؛ و همه همان خوراک روحانی را خوردند و همه همان شرب روحانی را نوشیدند، زیرا که می‌آشامیدند از صخره روحانی که از عقب ایشان می‌آمد و آن صخره مسیح بود. لیکن از اکثر ایشان خدا راضی نبود، زیرا که در بیابان انداخته شدند. و این امور نمونه‌ها برای ما شد تا ما خواهشمند بدی نباشیم، چنانکه ایشان بودند. (اول قرن‌تین ۱۰: ۱-۶)

اگر بخواهیم ساده‌تر بگوییم، پولس متذکر می‌شود که اسرائیلیانی که موسی را در بیابان پیروی می‌کردند تجربیاتی مشابه آنچه مسیحیان تجربه می‌کنند، داشتند. آنها توسط موسی نجات داده شدند همان‌طور که ما توسط مسیح نجات یافتیم. آنها در موسی تعمیم یافتند همان‌طور که ما در مسیح تعمیم یافتیم. آنها «من» خوردند و از آبی که خدا به آنان می‌داد خوردند همان‌طور که مسیحیان در مراسم عشای ربانی می‌خورند و می‌نوشند. با این حال، این تجربیات اولیه از فیض، اسرائیل را در دوره‌ای از آزمایش قرار داد، دوره‌ای از امتحان در طول سفرشان به سرزمین وعده و متاسفانه، خدا در زمان موسی از بسیاری از اسرائیلیان راضی نبود و آنها در بیابان مردند. پس

پولس نتیجه می‌گیرد که مسیحیان باید از تجربیات اسرائیل به ماهیت سفرشان پی‌ببرند. از مثال پولس، می‌توانیم یاد بگیریم که چطور زندگی ابراهیم را با کلیسای مسیحی تطبیق بدهیم.

داستان‌های موسی از زندگی ابراهیم، اسرائیل را تشویق کرد تا با بررسی آنچه خدا در زمان نجات‌شان از مصر و در حین حرکت‌شان به سوی سرزمین وعده، برای آنها انجام داده، وفادار بمانند. به همین شکل، ما باید داستان‌های ابراهیم را امروزه با کلیسا تطبیق دهیم طوری که مشوق ما در طول سفرمان باشد. به خاطر کاری که مسیح در زمان گشایش ملکوت انجام داده است ما باید به او وفادار بمانیم و باید تا زمانی که این سفر روحانی ما به اتمام رسد کار را ادامه دهیم. یعنی تا زمانی که به آسمان‌ها و زمین جدید داخل شویم.

بنابراین می‌بینیم که همان‌طور که در پی کاربرد امروزی زندگی ابراهیم هستیم، نه تنها باید تلاش خود را صرف رابطه بین ابراهیم و عیسی کنیم بلکه همچنین باید توجه‌مان را به رابطه بین قوم اسرائیل که اولین بار داستان‌های ابراهیم را دریافت کرد و کلیسای مسیح معطوف کنیم. در عهد عتیق اسرائیل و در عهد جدید کلیسا، نسل ابراهیم به حساب می‌آید. هر دوی ما از لحاظ قومی و روحانی متنوع هستیم و هر دو در سفری به هدف ملکوت پر جلال خدا در حرکتیم.

مضامین اصلی

بعد از اینکه به این نکته پی بردیم که داستان‌های زندگی ابراهیم با کلیسای مسیحی به عنوان دنباله نسل ابراهیم در دنیای امروز پیوند می‌خورند، همچنین باید آگاه باشیم که چگونه این فرایند کاربردی به چهار موضوع اصلی از باب‌های مربوط به زندگی ابراهیم می‌پردازد. این درونمایه‌ها چه چیزی برای گفتن درباره زندگی روزمره ما در مسیح دارند؟

همان‌طور که به یاد دارید داستان‌های ابراهیم به چهار مضمون اصلی می‌پردازند: فیض الهی، وفاداری ابراهیم، برکت خدا به ابراهیم و برکت خدا از طریق ابراهیم. در ادامه درس، بارها و بارها اشاره خواهیم کرد که چگونه این موضوعات با زندگی ما، به عنوان نسل ابراهیم، سخن می‌گویند. در این قسمت، مختصراً به بعضی راهکارهای کلی که باید آنها را دنبال کنیم، می‌پردازیم. اول به موضوع فیض الهی توجه می‌کنیم.

فیض الهی

خدا فیض و رحمت فراوانی شامل حال ابراهیم کرد، نه تنها در اوایل زندگی او، بلکه در هر روز از حیاتش بر روی زمین و همان‌گونه که اناجیل آشکارا تعلیم می‌دهند، همان‌طور که خدا به ابراهیم رحم کرد، همچنین خدا با پذیرش و حفظ ما در مسیح فیضش را به مسیحیان این دوره نشان می‌دهد. همان‌طور که پولس در افسسیان ۲: ۸-۹ می‌گوید:

زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، به وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال تا هیچکس فخر نکند. (افسیان ۲: ۸-۹)

نجات در مسیح بخشش عظیم خداست، حتی ایمانی که داریم از جانب اوست. ما آنچنان به رحمت خدا وابسته‌ایم که هر روز از زندگی مسیحی‌مان را باید در سایه رحمت او بگذرانیم. بدون فیض مستمر خدا همه تلاش ما برای وفاداری بیهوده است.

به همین دلیل، همان‌طور که اسرائیلیان پیرو موسی با شنیدن داستان‌های زندگی ابراهیم باید از فیض عجیب خدا آگاه می‌شدند، هر بار که می‌خوانیم خدا رحمتش را به ابراهیم نشان داد، به عنوان پیروان مسیح، چه به صورت گروهی و چه انفرادی، این فرصت را داریم که بیاموزیم چگونه نسبت به آنچه خدا برای ما انجام داده شکرگزار باشیم. خدا رحمت زیادی به ما نشان داده و ما باید یاد بگیریم که چگونه رحمت او را بجوییم و بر آن تکیه کنیم.

وفاداری ابراهیم

به همان صورت، موضوع وفاداری ابراهیم نیز از بسیاری جهات به پیروان مسیح مربوط می‌شود. با مطالعه زندگی ابراهیم، با موقعیت‌های زیادی روبرو می‌شویم که به ابراهیم دستور داده می‌شود در اطاعت خدا را خدمت کند. البته، او در این زندگی به کمال نرسید اما ثمره ایمان واقعی را نشان داد. حال مهم است که به یاد داشته باشیم که حتی در عهد عتیق، اطاعت وفادارانه همیشه بر پایه رحمت و فیض خدا قرار داشت. بنابراین، ما نباید مثل بعضی از شریعت‌پرستان به اشتباه بر این امر تاکید کنیم. گرچه، همان‌طور که در عهد عتیق آمده از ایمانداران واقعی این دوره انتظار می‌رود که با خدمت وفادارانه به خدا پاسخگوی فیض او باشند.

به همین دلیل است که عهد جدید مکرراً بر مسئولیت وفاداری پیروان مسیح تاکید می‌کند. توجه کنید که پولس چگونه در افسسیان ۲: ۸-۱۰ فیض و وفاداری را به هم مرتبط می‌کند:

زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید به وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال تا هیچکس فخر نکند. زیرا که صنعت او هستیم، آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک نماییم. (افسیان ۲: ۸-۱۰)

همان‌طور که آیه ۱۰ می‌گوید مسیحیان در این زمان وظیفه دارند تا کارهای نیکو انجام دهند. خدا ایمان نجات‌بخش را به ما هدیه کرده تا نسبت به او وفادار باشیم. پس هر زمان که می‌بینیم زندگی ابراهیم مسابلی درباره وفاداری بشر را پیش می‌کشد، در موقعیتی قرار می‌گیریم که آن مسئولیت‌های اخلاقی را در زندگی خودمان به کار ببندیم.

برکت به ابراهیم

در مرحله سوم، باید همچنین از برکات داده شده به ابراهیم که به زندگی مسیحی مرتبط است آگاه باشیم. به یاد دارید که خدا برکت عظیمی به ابراهیم و نسل او وعده داد. نهایتاً، آنها قومی عظیم، ثروتمند و پرآوازه می‌شدند و در طول داستان‌های ابراهیم اوقاتی را شاهد هستیم که خدا با نمونه‌ای از این برکات نهایی ابراهیم را برکت می‌دهد.

همان‌طور که خوانندگان اولیه اسرائیل تحقق وعده‌های داده شده به ابراهیم را در طول زندگی خود و در حین انتظار برای دریافت برکات نهایی، به چشم می‌دیدند، امروز ما مسیحیان نیز نشانه‌هایی از همان برکات را اینجا و حالا در حین انتظار به امید روزی که به طور کامل از همه آنها برخوردار شویم تجربه می‌کنیم. برکاتی که در این زندگی می‌بینیم می‌توانند برای ما مشوقی باشند تا زندگی روزمره را در امید به برکات نهایی که در زمان بازگشت مسیح از آن ما خواهند شد سپری کنیم.

برکت از طریق ابراهیم

بالاخره، همان‌طور که داستان‌های ابراهیم بر برکاتی که خدا از طریق او به جهان ارزانی می‌دارد تمرکز می‌کند، مسیحیان نیز این فرصت را دارند که بر برکاتی که از طریق ما به دنیا می‌رسند تامل کنند. به یاد دارید که به ابراهیم وعده محافظت در برابر دشمنانش و برکت برای دوستانش داده شد به طوری که روزی او برکات خدا را بین همه اقوام زمین قسمت خواهد کرد و فراتر از آن در بین داستان‌های ابراهیم دیدیم که خدا گاه‌گاه از ابراهیم به عنوان وسیله‌ای برای برکت همه اقوام استفاده می‌کند.

زمانی که خوانندگان اولیه پیدایش از این وقایع مطلع شدند، فرصت‌های زیادی داشتند تا درباره وقایعی که در زمان آنها روی می‌داد بیندیشند. آنها راهنمایی پیدا کردند که چطور به عنوان ابزار دست خدا در هنگام تعامل با دیگر اقوام باعث برکت آنها شوند. آنها می‌توانستند خاطر جمع باشند که خدا آنها را در مقابل دشمنان‌شان محافظت می‌کند و آنها توانستند با تلاش برای گسترش برکات ملکوت خدا در میان همسایگان‌شان به پیش بروند.

به همین شکل، ما مسیحیان امروز باید این موضوع را در زندگی خود به کار بندیم. ما نیز می‌توانیم مطمئن باشیم که خدا از ما محافظت می‌کند و می‌توانیم تشویق شویم تا با گسترش ملکوت خدا تا اقصای زمین برای همه ملل برکت باشیم.

نتیجه‌گیری

در این درس که درباره کاربرد امروزی زندگی ابراهیم بود، بررسی کردیم که چگونه باب‌های مربوط به زندگی ابراهیم در پیدایش، به دنیای امروز ما ربط پیدا می‌کنند. در ابتدا این نکته را یادآور شدیم که با رویکرد مسیحی به این قسمت از کتاب مقدس توجه به مسیح به عنوان نسل ابراهیم معطوف می‌شود. این نگاه در پی راه‌هایی است که مسیح، درونمایه‌ها و مضامین موجود در زندگی ابراهیم را محقق کرد. اما فراتر از آن، بررسی کردیم که چگونه زندگی ابراهیم به کلیسا یعنی بخشی از نسل ابراهیم، مربوط می‌شود. چگونه مردان، زنان و بچه‌ها در مسیح باید مطابق تعالیمی که در این قسمت از کتاب مقدس داده شده زندگی کنند.

با بررسی دقیق زندگی ابراهیم در پیدایش، فرصت‌های زیادی خواهیم داشت تا زندگی ابراهیم را با زندگی امروز خود تطبیق دهیم. در می‌یابیم که داستان‌های موسی درباره ابراهیم نه فقط قلب‌های مان را به سوی ابراهیم معطوف می‌کنند بلکه به سوی مسیح به عنوان نسل ابراهیم و به سوی درک این نکته شگفت‌انگیز که در مسیح ما نیز فرزندان ابراهیم و وارثان وعده‌های داده‌شده به او هستیم.